گرام گردی

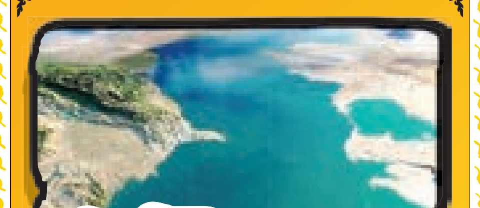

انتقال آب از دریای مازندران در بودجه ۱۴۰۱

«در زمینه آب چیزی که امروز در محیط زیست می‌گذرد، نتیجه یک روز یا ۱۰ سال نیست، بلکه نتیجه سال‌ها نبود مدیریت صحیح منابع است، به طوری که امروز منابع آبی ما رو به اتمام است. درواقع همیشه با آب به عنوان سرمایه‌ای که همیشه ساری و جاری است برخورد کرده‌ایم، اما دیدیم که این سرمایه درحال کم شدن است.» این جملات بخشی از اظهارات علی سلاجقه، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در نشست خبری گذشته او به مناسبت روز محیط زیست است. نشستی که در آن بحث دوباره انتقال آب دریای خزر به سمنان هم مطرح شد. آن گونه که ایرنا ۲۱ خرداد از قول سلاجقه نوشته بود: «از انتقال آب دریای خزر به سمنان فعلا خبری نیست و موضوع منتفی شده است. هیچ اتفاقی هم در این زمینه نیفتاده است.» خبری که البته بعد از گذشت یک روز دوباره از سوی همین خبرگزاری تکذیب شد. ایرنا یک روز بعد و پس از دریافت متنی از نماینده مردم سمنان، مهدی شهر وسرخه در مجلس شورای اسلامی، ضمن تکذیب این خبر نوشت: «انتقال آب از دریای خزر پروژه‌ای ردیف‌دار در بودجه ۱۴۰۱ است و همه مجوزهای لازم به ویژه زیست محیطی را از عالی‌ترین مقام وقت سازمان محیط زیست کشور دارد. یک پروژه ملی نمی‌تواند دستخوش تصمیمات لحظه‌ای و تغییرات مدیریتی شود.»
اصل این خبر را با اسکن کد در خبرگزاری ایرنا بخوانید.

Scan

لطف سخیف!

وقتی بعد از وقفه‌ای طولانی، تصاویری از او در فضای مجازی دیده شد، همه چیز تغییر کرده بود. صدا و نقش‌های ماندگار او در اذهان مردم، جایش را به مرد پا به سن گذاشته و خانه‌نشین شده‌ای داد که گذر روزگار او را به وادی فراموشی سپرده و نامرادی‌های دنیای تصویر هم به آن اضافه شده بود. بعد از این بود که هر از گاهی ویدئو و تصویری دیگر از او منتشر می‌شد و حاشیه‌های زیادی برای او می‌ساخت. همین چند وقت پیش بود که در پی انتشار یک فیلم از حضور رویگری در آسایشگاه کهریزک، توجه‌های زیادی به سوی او جلب شد و البته بعد از گذشت چند روز خبر رسید که به مدد همراهی برخی دوستانش، مشکل او حل شده است و در خانه خودش به سر می‌برد. اصل قضیه البته به نظر می‌رسد هنوز پابرجاست. حالا ویدئوی تلخ دیگری در فضای مجازی منتشر شده است که به نظر می‌رسد عده‌ای خیرخواهی و خیراندیشی را با مفاهیم سخیف و مبتذلی اشتباه گرفته‌اند و در حالی که اطراف او را پر کرده‌اند، پول بر سر او می‌ریزند و از این حرکت خودشان هم حسابی خشنود و راضی. ویدئویی که به سرعت و به شدت واکنش‌های منفی کاربران شبکه‌های اجتماعی را به دنبال داشت. کاربری در نقد این ویدئو و این رفتار نوشته است: «کاش یک نفر پیدا بشه رضا رویگری رو از این جمع ببره بیرون یا با اون چند تا آدمی که فکر می‌کنن دارن در حقش لطف می‌کنن، برخوردی اساسی بکنه.»

عکس نوشت

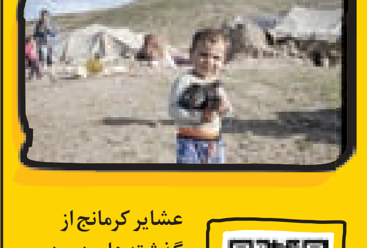

Scan

عشایر کرمانج از گذشته‌های دور در مناطق شمالی خراسان بزرگ مشغول دامپروری بوده‌اند. کوه‌های «ممدبک قوچان» یکی از مناطق ییلاق در فصل بهار است. آمیخته شدن زندگی عشایر با طبیعت چنان باشکوه است که هر آدمی را شیفته خود می‌کند. با این حال، جاده‌های کوهستانی خطرناک، افزایش قیمت علوفه و کم بودن قیمت خرید گوشت از سوی واسطه‌ها مشکلاتی را در چرخه زندگی آنان به وجود آورده است.
عکس‌ها: عطار رنجبر/ایرنا

گزارش روز

عکس: هادی مودب/شهرآرا

اجاره‌بهای کشنده!

کاربران فضای مجازی از افزایش سرسام‌آور و بی‌قاعده کرایه خانه‌ها نوشتند و خواستار نظارت دولت بر این بازار شدند

عروجی | چرا برخی‌ها گمان می‌کنند فکر کردن به آواره شدن و گشتن دنبال یک خانه مناسب نمی‌تواند آدم را تا سرحد مرگ ببرد و وضعیت نصفه نیمه یک خانواده کوچک را بحرانی کند؟ چرا عده‌ای به خیالشان هم نمی‌رسد که این وضعیت می‌تواند کشنده باشد؟ اصلا چطور می‌توان در مقابل صحبت کلیشه‌ای و همیشگی املاکی‌ها که با پولشان دیگر آغل هم کرایه نمی‌دهند، دوام آورد؟ چطور می‌توان فهمید کسی که خانه‌اش را تا قبل از این با اجاره ماهانه چهار و نیم میلیون تومان و پول پیش ۸۰ میلیون تومانی آن هم به سختی پیدا کرده، حالا به ناگاه صاحب خانه بدون هیچ قاعده‌ای تصمیم گرفته است از ترس تورم یا چهاردیواری اختیاری یا هزار چیز دیگر، همان خانه را یک شبه به ۲۰۰ میلیون تومان پول پیش و ۱۵ میلیون تومان اجاره بدهد؟ اصلا چند نفر صبح تا شب می‌توانند کار کنند و چنین پولی را سر ماه بگذارند کف دست صاحب خانه؟ حالا عده‌ای هم این وسط می‌گویند چرا نرفته است چند کوچه پایین‌تر؟ چرا نرفته است یک جای جمع و جورتر؟ این پرسش‌ها راستش مثل همان توصیه به نخوردن ماکارونی و برنج و میوه و گوشت وسط گرانی‌هاست و بیشتر برای حذف کردن صورت مسئله است. ولی آیا این موضوع متولی ندارد؟ کسی نمی‌خواهد بیاید وسط گود و چیزی بگوید؟ دیروز که خبر سکته یکی از خبرنگاران قدیمی روزنامه «همشهری» به دلیل افزایش چندبرابری اجاره خانه‌اش منتشر شد، همه را بهت زده کرد. علی بهرامی، خبرنگاری بود که چند روز قبل از فوتش به روزنامه پیام داده بود صاحب خانه‌اش اجاره خانه‌اش را چند برابر کرده است. او نوشته بود که چرا کسی جلوی زیاده‌خواهی آن‌ها را نمی‌گیرد. او به گفته همکارانش روز قبل از فوت صحیح و سالم از محل کار به خانه رفته، اما گویا از فشاری که به او آمده است، سکته می‌کند و از دنیا می‌رود. همین موضوع نشان می‌دهد مستاجران چه فشار روحی زیادی را تحمل می‌کنند و چطور این فشارها خودش را در کمترین زمان ممکن نشان می‌دهد و می‌تواند به قیمت جان آدم‌ها تمام شود. خیلی از کاربران حالا بعد از فوت علی بهرامی شروع کرده‌اند به نوشتن تجربه‌های اجاره‌نشینی و مصیبت‌هایش. یکی از کاربران نوشته بود: «آرایشگاهی که می‌رم، هر سال داره محل کارش رو عوض می‌کنه. با اینکه در سراسر هفته روزی ۱۰ ساعت کار می‌کنه و با اینکه حتی آرایشگاهش رو اشتراکی می‌گیره، از پس افزایش اجاره‌ها برنمی‌آد.» یکی دیگر از کاربران اما از تجربه تلخ کار دوستانش در شهر و بیکاری نوشته بود: «چهار نفر از دوستان تحصیل کرده‌ام به علت دو برابر شدن اجاره منزل مشترکشون در تهران مجبور شدند کارشون رو رها کنن و به شهرستان برگردن و بیکار بمونن.» آیا دولت مردان نمی‌خواهند فکری بکنند؟ نمی‌خواهند قوانین سفت و سخت‌تری برای جلوگیری از افزایش کرایه خانه‌ها اعمال کنند؟

گزارش یک نابودی

گزارش تازه سازمان جنگل‌ها درباره کاهش سطح جنگل‌ها و مراتع در کشور، نگرانی‌های تازه‌ای را پدید آورده است

سید محمدرضا هاشمی | احتمالا وقتی شما هم با اخباری مثل اینکه ایران در پنجاه سال آینده جنگلی نخواهد داشت، روبه‌رو می‌شوید، برایتان باورپذیر نباشد و این سؤال در ذهنتان ایجاد شود که مگر می‌شود جنگل هم تمام شود و مثلا ما دیگر در شمال کشور جنگل نداشته باشیم؟ در پاسخ باید خدمتتان عرض کنیم که این موضوع با رویه کنونی اتفاقی عجیب و دور از ذهن نیست. برای درک بهتر این موضوع کافی است به این آمار نگاهی بیندازیم؛ سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در گزارشی که درباره وضعیت جنگل‌های طبیعی ایران منتشر کرده، آورده است که در یک دوره شانزده ساله از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۹ مجموعا معادل ۳ میلیون و ۹۱ هزار و ۳۳۲ هکتار از جنگل‌ها و مراتع کشور کاسته شده است. یعنی در ایران سالانه سطحی معادل ۹۹ هزار و ۵۶ هکتار از سطح جنگل‌های طبیعی کاسته می‌شود که سهم هر روز حدود ۲۷۱ هکتار است. در بخش دیگری از این گزارش آمده است که تغییر کاربری فاجعه‌باری که در این دوره به دلایل نامشخص اتفاق افتاده، مهم‌ترین دلیل این اتفاق ناگوار است. اما چطور و چگونه؟ شاید بخشی از پاسخ را باید در رخدادهایی پیدا کنیم که در ماه‌ها و سال‌های گذشته بیشتر از قبل با آن روبه‌رو بوده‌ایم. تابستان سال گذشته بود که ایران شاهد آتش‌سوزی‌های گسترده در جنگل‌های زاگرس بود و در هفته‌های گذشته هم اخبار نگران‌کننده‌ای از احداث مجتمع پتروشیمی در هفت کیلومتری تالاب میانکاله منتشر شد که در نتیجه اعتراض فعالان محیط زیست و رسانه‌ها این غائله با ورود مستقیم رئیس جمهور پایان یافت. رئیس جمهور ۱۶ خرداد امسال در جلسه شورای عالی محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست را مکلف کرد در دوگانه‌ها و چالش‌های محیط زیستی کشور و اجرای طرح‌های اقتصادی با پشتوانه کارشناسی دقیق و قوی وارد میدان شود و آن‌ها را رفع کند. همچنین، رئیس قوه قضائیه ۱۷ خرداد در دیدار با مدیران سازمان حفاظت محیط زیست گفت: «برای کسانی که زمین و محیط زیست را تخریب و آلوده سازند، مجازات‌های سنگینی در نظر گرفته شده است و چنانچه این تخریب به حد مشخصی برسد، عنوان فساد فی‌الارض بر آن صدق خواهد کرد.» به نظر می‌رسد حفاظت از محیط زیست، مراتع و جنگل‌های کشور اقداماتی فراتر از تجمع و جریان‌سازی رسانه‌ای می‌طلبد و امید آن می‌رود تا با دخالت مستقیم دولت و مقرر کردن جرم‌های سنگین از سوی قوه قضائیه برای خاطیان در این باره شاهد بهبود روند رسیدگی به وضعیت مراتع و جنگل‌ها در کشور باشیم.

توییت روز

یگانه خدامی (فعال رسانه)
من واقعا زیر بار خرج زندگی و گرونی داغون شدم. نمی‌دونم از چی دیگه باید بزنم که کم نیارم.

همایون دارابی (دکترای مدیریت مالی)
آیا از میزان ارز و طلا داخل صندوق‌های امانت تعجب کرده‌اید؟ آیا از حرکت این روزهای خرید طلا و ارز متعجب شدید؟ پاسخ این مسائل فقط یک چیز است؛ خانواده‌های ایرانی جایی برای حفظ ارزش پول ندارند. ملک از دسترس خارج شده و بورس نیز به این وضع دچار شده است. بدون رونق بورس وضع بدتر می‌شود.

نوید قدوسی (فعال اقتصادی)
با این زرنگایی که می‌گن دستگاه پوزمون خرابه بزنین به این شماره کارت باید چه کار کرد؟

احسان بداغی (روزنامه‌نگار)
سال ۱۴۰۱ با دلار ۲۶ هزار و ۵۰۰ تومانی شروع شد و ۲۱ خرداد قیمت دلار به ۳۲ هزار و ۵۰۰ تومان رسید؛ یعنی کاهش ۲۰ درصد ارزش پول ملی فقط در ۸۰ روز. به عبارتی هر چهار روز یک‌درصد از ارزش پول ملی کم شده و بدتر اینکه این روند همچنان ادامه داره.

جدول روز

وارد کننده اسلام به کشمیر – عادی / گم / از مرکبات – آزرم / سردسته – رطوبت / واحدی در ارتش – خرس چینی / واحد صوت – اندوه / ناپیدا / آتش – شانه / پیوستگی – روان / هدایتگر هواپیما – تندرو / قلم / نقشه‌کشی – نوعی حلوا / قدم یکپا / عدد منفی – حیوان عظیم‌الجثه – غذایی رشته‌ای / بلندی – جان‌پناه – برادر شاه / خداحافظی / شهر گلستان – مشهد قدیم / جاری – گاری / بسودن – زنده / جایگزین – عکس دستکاپ / نصف قیمت – ماشین راهسازی / بحر – پیاز روغنی / طبی – سبد ریسمانی / افترا – بیماری مسری / گذشته‌ها – حقوق / بالا / زنگ خطر – کشتزار / صیفی‌جات – حواری خائن / عذاب – فالبین / چندباره – صوت ندا / پسوند مانندی – با استعداد / حرف / پیروزی – نامی پسرانه / چشم – نوعی خویشی / ضمیر عربی / برهنه – وسط / شناسه بانکی – قلعه حسن صباح / زندان – سفیدآذری / قربانگاه حاجیان – برکناری / عضو تنفس – مکافات – درز / آب+صابون – از انواع تصاعد / جدید – قطار هوایی / دشنام – پوشش / ستور / عزیز عرب – بزرگ‌تر / سکته قلبی – بانزی – عددعمر – استغنا – ورشکسته – ستون دین اسلام

پاسخ جدول شماره گذشته

شوخی با خبر

عکس: سعید گلی/شهرآرا

شاید در این گرما رخ دهد

مهدی محمدی

همان طور که داشتیم کانال خبری شهرآرا را بالا و پایین می‌کردیم، خبری دل‌سردکننده دیدیم: موج گرما در راه است. به میان مردم رفتیم تا ببینیم واکنش آن‌ها به این موج گرما چیست؟

روح سعدی علیه الرحمه | یادتونه گفته بودم «بسیار سفر باید، تا پخته شود خامی». الان که پیش‌بینی دمای هوا در روزهای بعدی رو دیدم، به نظرم دیگه اون «بسیار سفر» لازم نیست، اگر «خام» یک تک پا هم بیاد بیرون پخته می‌شه.

یک فرزند | من همیشه فکر می‌کردم این مادرها هستند که گرمابخش خانواده هستند، اما اشتباه می‌کردم. گرمابخش واقعی هر خانواده پدرها هستند که از هر فرصتی برای خاموش کردن کولر استفاده می‌کنند.

یک نفر در حال جواب دادن به سؤالات یک برگه امتحانی: کولر مادر این گرما جواب نمی‌دهد، بلکه سؤال هم می‌پرسد. کسی می‌داند پایتخت اتیوپی کجاست؟ همین سؤال را جواب بدهم، برگه امتحانی را تحویل کولر می‌دهم!

یک نفر گرمازده | جغرافی‌دان‌ها برون‌نگاه کنند ببینند خط استوا هنوز سر جایش هست؟ من که فکر کنم الان دیگر خط استوا مثل قدیم‌ها در اوگاندا و کنگو نیست و احتمالا اکنون خط استوا از خراسان رضوی رد می‌شود!

یک مستأجر | شش ماه دوم سال از سقفمون بارون چکه می‌کنه، شش ماه اول سال گرما می‌چکه! صاحب‌خونه هم فقط دنبال چکه! منظورم چک اجاره خونه‌ست!

یک مشتری بانک | از بازرسان بانک‌ها خواهشمندم مستمر از بانک‌ها سرکشی کنند، چون مثل قبل هوای داخل بانک سرد نیست. من یکی مطمئنم علاوه بر پول، سرما هم ممکن است در بانک‌ها اختلاس شود.

یک دانش‌آموز | معلم علوم ما گفته بود که گرما باعث انبساط است، ولی چرا هرچه هوا گرم‌تر می‌شود، انبساط خاطر ما نه تنها بیشتر نمی‌شود، بلکه یک جورهایی کمتر هم شده است؟

یک انسان قدرشناس | علت این گرماها این است که یک زنگ نمی‌زنید از هواشناسی تشکر کنید. این همه بارندگی چند روز قبل داشتیم، یک نفر زنگ زد هواشناسی تشکر کند؟ این قدر از هواشناسی تشکر نمی‌کنید تا هواشناسی هم روی دنده لج می‌افتد و موج گرما را پیش‌بینی می‌کند.

یک مسافر درون‌شهری | ما که خانوادگی برنامه داشتیم از استان خارج شویم، برویم دریا و آنجا موج‌سواری کنیم، ولی پولمان فقط به درد سفر درون‌شهری می‌خورد و ما باید به موج گرما سواری بدهیم!

یک نوه | امروز از پدربزرگم خواستم با توجه به گرمای شدید هوا به ما بگه چه کار کنیم که گرما اذیتمون نکنه. جواب راهگشایی بهم داد. گفت: برو کنار بذار باد بیاد!

درباره یک باور نادرست

ما فقط از ۱۰ درصد مغزمان استفاده نمی‌کنیم

پژوهش‌های جدید روی اسکن مغز نشان می‌دهد در هر فعالیت حتی در زمان خواب، همه بخش‌های مغز در ارتباط پیچیده با یکدیگر همکاری می‌کنند و این باور که انسان فقط می‌تواند از ۱۰ درصد ظرفیت مغزش استفاده کند، باوری نادرست درباره مغز است. ردیابی منشأ این افسانه و باور نادرست درباره مغز دشوار است. اما «ویلیام جیمز»، روان‌شناس دانشگاه هاروارد، معتقد است انرژی‌ای که انسان در طول روز ذخیره می‌کند، می‌تواند یکی از علل بروز این افسانه باشد. او در مقاله‌ای که چاپ شده است، توضیح داد: «انسان‌ها تمایل دارند انرژی‌شان را تا حد ممکن ذخیره کنند. این طبیعت سیستم بدن انسان است. همین امر سبب می‌شود در حد امکان کمترین میزان انرژی را برای امور مختلف صرف کنند یا به عبارت دیگر، فقط بخشی از ظرفیتشان را به کار بگیرند.» متأسفانه این ایده در طول زمان به طوری تغییر کرد که اکنون افراد باور دارند انسان فقط از ۱۰ درصد توانایی مغزش می‌تواند استفاده کند. شاید بارها از منابع مختلف خوانده یا شنیده باشید که انسان فقط از ۱۰ درصد مغزش استفاده می‌کند. این باور نادرست درباره مغز بارها در فیلم‌های هالیوودی مانند «Inception» نیز مرور شده است. در این فیلم شاهدیم که بارها به استفاده فقط بخش ناچیزی از ظرفیت مغز اشاره می‌شود. از سوی دیگر، در فیلم «Limitless» می‌بینیم قرصی وجود دارد که به مردم اجازه می‌دهد پس از مصرف آن از ۱۰۰ درصد مغزشان استفاده کنند. در «Lucy» نیز شاهد صحنه‌هایی هستیم که نشان می‌دهد اگر انسان از همه ظرفیت مغزش استفاده کند، چه خواهد شد. با این حال، حقیقت این است که ما می‌توانیم از همه ظرفیت مغزمان استفاده کنیم و بیشتر این کار را در طول روز، بدون آگاهی و به صورت ناخودآگاه انجام می‌دهیم. جالب است بدانید مغز انسان ساختار پیچیده‌ای دارد که هر بخش آن وظیفه خاصی دارد. همان طور که انجمن علوم روان‌شناسی توضیح داده است، همه این ساختارها در موقعیت‌های مختلف شروع به کار می‌کنند. اسکن مغز نشان می‌دهد مهم نیست فرد در حال انجام چه کاری است، بلکه همه بخش‌های مغز در یک فعالیت معمول روزمره همواره در تکاپو هستند، حتی وقتی خواب هستیم. با این حال، میزان فعالیت برخی بخش‌ها بیشتر و برخی دیگر کمتر است. تنها موردی که در آن ممکن است برخی بخش‌های مغز به درستی کار نکند، زمانی است که به مغز آسیب رسیده باشد. در غیر این صورت، همه بخش‌های مغز در ارتباط یکپارچه با هم هستند و می‌توانند در هر فرایندی به صورت مشترک فعالیت کنند.

منبع: زومیت

دانستنی روز

اگر زیاد کابوس می‌بینید شما پارکینسون دارید!

پارکینسون یک بیماری پیش‌رونده است که دستگاه عصبی مرکزی بدن را درگیر می‌کند. به تازگی دانشمندان متوجه ارتباط بین دیدن مکرر کابوس و پارکینسون شده‌اند. براساس پژوهشی که به تازگی در میان مردان مسن انجام شده است، می‌توان دیدن کابوس در سنین بالا را به عنوان نشانه اولیه ابتلا به پارکینسون در آینده در نظر گرفت. خواب‌های آشفته به ویژه در مردان، همیشه به عنوان نشانه‌ای از اختلالات عصبی به حساب می‌آمدند؛ اما این اولین بار است که یک پژوهش به بررسی این گونه خواب‌ها به عنوان نشانه یا نتیجه بیماری پارکینسون می‌پردازد.

پژوهشگران به مدت دوازده سال سلامتی ۳ هزار و ۸۱۸ مرد مسن با عملکرد مغزی عادی را زیر نظر گرفتند و درنهایت متوجه شدند آن‌هایی که مرتب کابوس می‌بینند، تا دو برابر بیشتر از دیگران در خطر ابتلا به پارکینسون قرار دارند. این بیماری برای بیشتر افراد در همان پنج سال اول پژوهش بروز کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که امکان تشخیص پارکینسون در مراحل اولیه با پرسیدن از محتوای خواب افراد مسن وجود دارد. در این مرحله می‌توان با درمان‌های مختلف مانع از بروز نشانه‌های فیزیکی این بیماری مانند لرزش، خشک شدن و کندی حرکت شد. اهمیت این پژوهش زمانی مشخص می‌شود که بدانید یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های بیماری پارکینسون تشخیص اولیه آن است. درواقع بیشتر افراد زمانی متوجه ابتلا به این بیماری می‌شوند که بین ۶۰ تا ۸۰ درصد از نورون‌های منتشرکننده دوپامین در بخشی از ساقه مغزشان را از دست داده‌اند. تاکنون مشخص نبود که آیا این نشانه‌ها به سبب بیماری پارکینسون ایجاد می‌شوند و می‌توان آن‌ها را در زمره نشانه‌های مقدماتی این بیماری قرار داد که پیش از بروز نشانه‌های اصلی، ظاهر می‌شوند. خوشبختانه پژوهش جدید توانست با ارزیابی تعداد زیادی از مردان مسن در بیش از یک دهه، این مسئله را مشخص کند. علاوه بر این‌ها، دانشمندان در چهار سال اولیه این پژوهش متوجه ارتباط بین دیدن مکرر خواب‌های آشفته و افزایش شش برابری خطر مبتلا شدن به بیماری‌های عصبی شدند. البته پیش از انجام پژوهش‌های بیشتر و بررسی عملکرد مغز در هنگام خواب، خیلی سخت است بگوییم چه اتفاقی برای بیماران پارکینسون در سطح بیولوژیک رخ می‌دهد که باعث می‌شود به صورت مرتب کابوس ببینند. همچنین مشخص شده است که مردان مبتلا به پارکینسون بیشتر از زنان از خواب‌های آشفته رنج می‌برند؛ اما دلیل آن مشخص نیست. یک توضیح احتمالی این است که شروع دیرهنگام کابوس‌ها می‌تواند نشانه اولیه زوال عصبی در برخی مردها باشد. زنان در مراحل اولیه زندگی‌شان بسیار بیشتر از مردان کابوس می‌بینند؛ اما ظاهرا مردان پس از شصت و پنج سالگی از این نظر با زنان برابری می‌کنند. شاید هم‌زمان با افزایش سن، چیزی در کورتکس پیشانی که مسئول تنظیم احساسات در طول خواب است، تغییر می‌کند. پژوهشگران اکنون می‌خواهند با استفاده از نوار مغزی متوجه تغییر مدنظر شوند. اگر یکی از مردان مسن اطراف شما به تازگی بدون هیچ دلیل خاصی مکرر کابوس می‌بیند، حتما احتمال ابتلا به پارکینسون را مدنظر قرار دهید و با یک پزشک مشورت کنید.

منبع: دیجیاتو

آیا می‌دانستید؟

*آیا می‌دانستید لئوناردو داوینچی مخترع قیچی است؟

شعر

با من چو بخندید خوش آن در خوشاب
بر خنده ز شرم دست را کرد نقاب
لعل لب او ز پشت دست پرتاب
می‌تافت چو از جام بلورین مهتاب (فلکی شیروانی)

توییت

امیرحسین
هرگز با آدم دروغگو جروبحث نکنید، شما توی این بحث برنده نمی‌شید، چون اون به دروغای خودش باور داره.

مرد بالشی
شما هشت ماه ورزش کن، سه روز ورزش نکن. روز چهارم ورزش نکردن، هیکلت می‌شه شبیه هشت ماه و یک روز قبل.

مورفی
خود حضرت حافظ هم می‌گه: «اشک من رنگ شفق یافت ز بی‌مهری یار.» اون وقت بعضیا می‌گن مرد که گریه نمی‌کنه!

دابانف
یه زمانی رنگ نارنجی مد شده بود. دانشگاه ما توی زمان هواخوری رسما شده بود زندان گوانتانامو.

سودوکو

۲	۹						۵	۴
					۵	۳		۹
	۷			۹			۱	
		۵				۶	۴	۳
					۴	۲		
۱		۸			۳	۹		
۴		۶	۹				۳	۷
	۵							۸
	۱	۷		۵	۶		۹	

پاسخ سودوکو

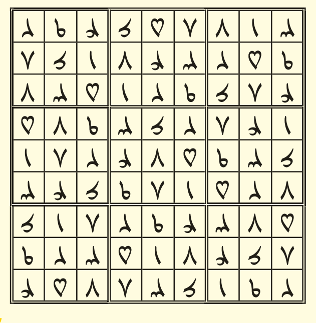
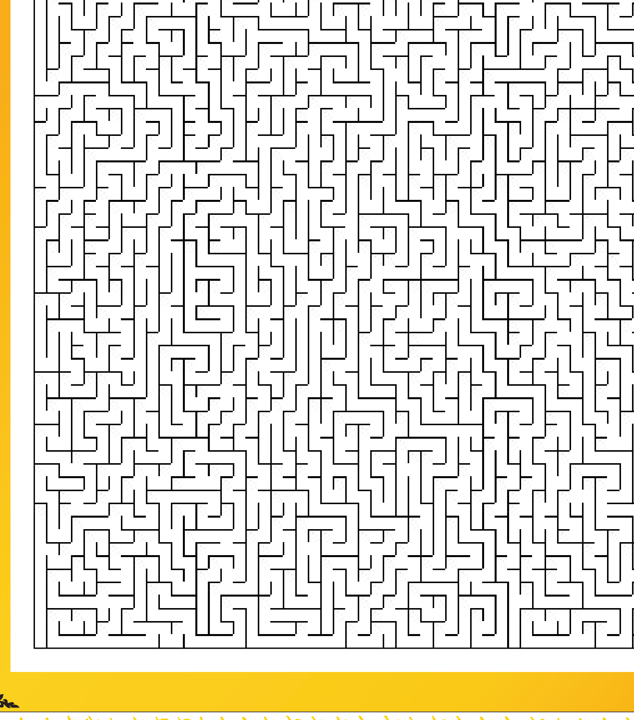
هزارتو